

پرهیز از شتاب زدگی در فرآیند پژوهش

حجت الاسلام و المسلمین میر جواد مرعشی

«و لا تَجْعَلْ بِالْقُرْآنِ مِنْ قَبْلِ أَنْ يُقْضَى إِلَيْكَ وَحْيُهُ وَ قُلْ رَبِّ زِدْنِي عِلْمًا»؛ «ای پیامبر در خواندن قرآن پیش از آن که وحی‌اش بر تو به پایان برسد، شتاب مکن و بگو پروردگارا مرا دانش بیفزای» (طه: 114)

1. خداوند در قرآن کریم به کرات انسان‌ها و حتی پیامبر بزرگوار خویش را از تعجیل و شتاب‌زدگی در انجام امور بر حذر می‌دارد و آن‌ها را همواره به صبر و بردباری فرامی‌خواند؛ ولی همان‌گونه که در قرآن به آن اشاره می‌فرماید، انسان ذاتاً عجول است: «كَانَ الْإِنْسَانُ عَجُولًا» (إسراء: 11) تعجیل در انجام هر کاری ناخوشایند است؛ به ویژه در امر پژوهش و تحقیق که آثار سوء آن ممکن است به مراتب بیشتر باشد؛ چه این‌که نتایج نادرست حاصل از یک تحقیق شتاب‌زده، گاه مردمان بسیاری را به گمراهی و تباهی کشانده است. غالب بزرگانی که امروزه از آن‌ها سخن گفته می‌شود و نامی از آنان در مجامع علمی در میان است، عمدتاً کسانی هستند که عمری را بر سر این راه گذارنده‌اند و سالیانی دراز را صرف تفکر بر سر نکته‌ای و تحقیق در پی مطلبی بر سر کرده‌اند؛ به‌طور مثال اگر در زمان حاضر هنوز از محمد بن زکریای رازی سخن گفته می‌شود، بدین سبب است که او برای نگارش کتاب الحاوی که یک دانشنامه پزشکی مفصل و دقیق در نوع خود محسوب می‌شد، حدود 15 سال زمان صرف کرد و در اثر نگارش همین کتاب، بینایی خود را از دست داد. او خود در همین رابطه می‌گوید: «حوصله و جهد من در طلب دانش تا آن حد بود که در یک فن بخصوص به خط تعوید، بیش از بیست هزار ورقه نوشتم. پانزده سال از عمر خود را، شب و روز، در تألیف الجامع الکبیر صرف کردم. بر اثر همین کار، قوه بینایی‌ام را ضعف دست داد و عضله دستم، گرفتار سستی شد و از خواندن و نوشتن محروم ساخت. با این حال، از طلب بازمانده‌ام. پیوسته به یاری این و آن می‌خوانم و بر دست ایشان می‌نویسم.» همچنین می‌توان از مرحوم کلینی و ابوالفرج اصفهانی یاد کرد. مرحوم کلینی برای نگارش کتاب کافی، بیست سال از عمر گرانمایه خود را صرف تحقیق و تتبع در منابع دینی و گردآوری احادیث کرد و مرحوم ابوالفرج اصفهانی نیز برای نوشتن کتاب اغانی، حدود پنجاه سال وقت صرف کرد.

2. شتاب‌زدگی در انجام پژوهش علاوه بر آن که موجب می‌شود نتیجه کار، چنان که باید و شاید رضایت بخش نباشد، به تقویت روحیه جزم‌گرایی و جمود علمی نیز خواهد انجامید. محققان که به مطالعه منابع دست‌اول عادت کرده است، هیچ‌گاه به خود اجازه نخواهد داد که بدون مطالعه دقیق، به سخن گفتن یا نگارش در مورد مطلبی خاص بپردازد. چنین پژوهشگرانی گاه حتی خود را در مقام سخنور و نویسنده نیز نمی‌دانند و تنها به نوشتن شرح یا حاشیه‌ای بر کتابی قناعت می‌ورزند. شاید یکی از دلایل رواج شرح‌نویسی در زمان‌های گذشته در بین علمای ما نیز همین مطلب بوده است؛ به‌طور مثال، می‌توان به مرحوم سید علی طباطبایی، مؤلف کتاب ریاض المسائل فی بیان أحكام الشرع بالدلائل، معروف به شرح کبیر اشاره کرد که شرح عالمانه و دقیقی بر المختصر النافع محقق حلی نگاشته است؛ یا می‌توان به مرحوم ابوالحسن جلوه،

فیلسوف و عارف نامدار عصر ناصری اشاره کرد که هرگز دست به نگارش اثر مستقلی در باب فلسفه نزد و می‌گفت: «چون دانستم تصنیف تازه، صعب، بلکه غیرممکن است، چیز مستقلی ننوشتم؛ ولی حواشی بسیار بر حکمت متعالیه که معروف به اسفار است و غیره نوشتم». «علامه قزوینی، پژوهشگر برجسته تاریخ و ادبیات ایران نیز هیچ وقت خود درصدد نشر آثارش برنیامد و آن‌ها را فاقد ارزش علمی می‌دانست. او در نامه ای می‌گوید: «خدا را به شهادت می‌طلبم که بنده [...] اصلاً و ابداً این مقالات را حائز ادنی اهمیتی نمی‌دانم، و اغلب آن‌ها را دوراندختی و پاره‌کردنی و سوختنی می‌دانم.»

3. شتاب‌زدگی در پژوهش، خود از سوی دیگر حاصل نگاه کمی محقق به مسئله تحقیق نیز هست؛ بدین معنی که او بیش از آن‌که در پی محتوا و انسجام مطالب باشد، در پی اتمام تحقیق و عرضه آن به صورت کتاب یا مقاله و بسط دادن کارنامه علمی خود است. امام صادق (ع) به زیبایی فرموده است: «لَیسَ یَعْنِی أکثرُ عَمَلًا وَلَکِن أ صَوْبُکُم عَمَلًا»؛ یعنی: «مقصود عمل، بیشتر نیست، بلکه عمل، بهتر است.» در شتاب‌زدگی آن‌چه مطمح‌نظر است، نه کیفیت و محتوا، بلکه مسئله «بیشتری» و تعداد می‌باشد؛ یعنی محقق شتاب‌زده صرفاً در بند افزودن و انجام دادن است و این‌که آیا این تحقیق او کمک به گشودن گرهی از مسائل می‌کند، چندان برای او حائز اهمیت نیست.

4. حاصل سخن آن‌که جامعه علمی ما امروز در بیان مطالب جدید و درک و دریافت تازه از مسائل، نیازمند محققانی باحوصله و صبور است؛ کسانی که کیفیت کار را فدای کمیت آن نسازند و رنج تحقیق را صبورانه به جان بخرند و قدر و جایگاه سخن خویش را دریابند و به تعبیر زیبایی خواجه عبدالله انصاری بدانند که «از آسمان بزرگتر، سخن را دان 1.»

پی‌نوشت

1 در نگارش این نوشتار، از کتاب «اخلاق نگارش»، نوشته آقای محمد اسفندیاری بهره بسیار برده‌ام.